

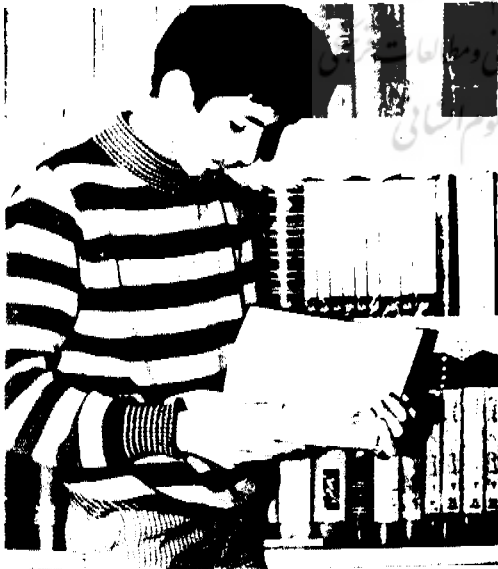
غیره می بردارد. افکار و عقاید را باهم مقایسه می کند، تا به عقیده‌ای تازه دست یابد. عقیده‌ای که او را از افکار و آرایه‌ی که کور کورانه از خانواده و محیط گرفته است برهاند، و این عامل مهم استقلال طلبی اوست که دوست دارد از طرف والدین و پیرامونیان از احترامی متقابل برخوردار باشد.

بطوری که اشاره شد، در این دوره که می‌نوان آنرا مرحله " خود نمایی " فرد نامید نوجوان هنوز در تثبیت ارزشهای تشکیل دهنده شخصیت به تصمیم نهایی نرسیده است. لذا مدرسه که در تنظیم تجارب دانش آموزان وظیفه‌ای بس خطیر دارد، باید بدون درهم ریختن شخصیت نوجوان، در پی انسجام ارزشهای متشکله آن برآید و او را در دست یافتن به ارزشهایی باکیفیت انسانی یاری کند. چه در این دوره که زمان شکل گیری حس استقلال فرارسیده است، ساز و برگ لارم زندگی، بنحوی که فرد " خود راهبر " بشود باید فراهم گردد. بدین منظور ایجاد فرصتهای مناسب برای

تحت افراد

۳- دانش آموز دوره دوم دبیرستان

دانش آموز این دوره، در مرحله دیگری از سن نوجوانی بسر می برد. او به اظهار وجود می پردازد. سعی دارد در این مرحله از سن شخصیت جوانی از خود نشان دهد. بدین جهت سعی می کند با دلیل و برهان مسائل خود را حل کند و برخلاف اوان نوجوانی در برآورد تمنیات خود به زور متوسل نشود. شخصیت او از ارزشهای انسجام نیافته‌ای شکل گرفته است. اما او قادر به درک ارزشهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... است. غالبا " با توجیه ارزشها در وجود خویش، با خود به نزاع بر می خیزد. نقشه‌هایی می کشد هدفهای ایده‌آلی تجسم می‌کند و جهت رسیدن به آنها جبهه می‌گیرد. او معترضیه مسائل پیرامونی خود است. از این رو در پدیده‌ش مقررات و قوانین سرسختی نشان می‌دهد. نوجوان در دستیابی به حقایقی که برایش پوشیده مانده است کوشش می‌کند. به خواندن مطالب مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی و





نوجوان از اهم وظایف اولیا؛ مدرسه است .

عدم آگاهی از رفتارهای نوجوان در این دوره از سن موجبات عدم تفاهم بین دانش‌آموز و معلمان را فراهم می‌کند. بطوری‌که معلمان جوان‌را بدنباله گیری دربرابر دانش‌آموز بر می‌انگیزد. بدین جهت راهنمایی معلمان بوسیله مدیریت صحیح یک آموزشگاه، جدید مدیریت مدرسه در فراهم ساختن تسهیلات خود راهبری دانش‌آموزان، خود از وظائف عمده تربیتی مدیریت مدرسه است .

هدف از آنچه که مشروح افتاد، این است که مسئولان تربیتی در مقابل رفتار ناسایست نوجوان‌گناه بیایند، بلکه با توجه به نیاز سنی او ضمن نیکه برراه اصلاح رفتاری ناسایست باتدبیر به مقابله برخاسته و بدین طریق در راه رسیدن به تحکیم حسی استقلال به نوجوان کمک نمایند. واضح است که لازمه بکارگیری روش اصلاح رفتارهای ناسایست نوجوان، تربیت خاصی را برای مدیریت مدرسه‌ترسیم می‌کند. روی این اصل مدیریت آموزشی، به عنوان یک رشته مهم و لازم جهت سازمانهای آموزش و پرورش قلمداد شده و از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد.

حالات دانش‌آموز دوره دوم دبیرستان یا سالهای سنین دوره های تحصیلی قبل کلاسها متفاوت است . او در این مرحله جستار «Mutation» سعی دارد با خصوصیات جدیدی که کاملاً با خصایص گذشته اش متفاوت است تجلی کند. در این مرحله نوجوان علاوه برشکلات جسمانی که رفتارهای او را تحت تاثیر قرار می‌دهند، با مشکلات درسی و تکراری از آینده خویش نیز روبرو است . آینده‌ای که می‌تواند از تحصیل او

جدا باشد. بدین علت این دوره آینده‌ساز که نوجوان بدان واقف است، با نگرانیهای همراه است که نوجوان را به خودستغول می‌دارد. زندگی تحصیلی که نوجوان را با همکلاس و معلمان مرتبط می‌سازد، نوجوان دوست دارد، در این ارتباط موفق شود. لذا سعی می‌کند از راههای مختلف خود را در دل همکلاس و معلمان جا کند. چه ساعتی موفقیت وی در این راه او را از درس خواندن و علاقه بد تحصیل باز می‌دارد. بدین جهت عوامل عاطفی دانش‌آموز نوجوان با موفقیت یا عدم موفقیت او ارتباط پیدا می‌کند، که می‌تواند با ریسر کامیابی او در زندگی آینده‌اش بیاید.

بعد از انکترش بد دوست داشتن شدن انکترش شعلی در دانش‌آموز دبیرستان بوجود می‌آید او به فکر می‌افتد که در آینده چه کار

ارضا می شود. از اینکه می بیند افرادی به فکر او هستند به تحصیل علاقه مند می شود و برای سوال می کیسم خود پاسخ می یابد.

با وجود بر آنچه که شروع افتاد می توان گفت که پس از دوره ابتدایی، دانش آموز دارای شرایط خاص سنی در زندگی تحصیلی است. شرایط محیط دبیرستان در او تاثیر می گذارد. و به آنچه که در پیرامونش می گذرد معطوف می شود. ولی نمی توان این تاثیرات را به طور یکسان برای همگان تعمیم داد. لذا در دبیرستان گروهی دانش آموز یافت می شود که وضعیت حاکم در مدرسه را پذیرفته و به آنچه که در آنجا می گذرد رضایت دارد. گروهی دیگر

می تواند بکند. نقش مدرسه در ترویج دانش - آموز در رابطه با جامعه عمل یوسانی شدن به انگیزه، موفقیت او در تحصیل کاملاً روشن است. ولی سهم اولیاء مدرسه در راهنمایی دانش آموز به آنچه که بعد از تحصیلات متوسطه انجام خواهد داد، در درجه اول اهمیت قرار دارد. چه بسیارند دانش آموزانی که پس از خروج از دبیرستان به دستیاری وارد می شوند که برای آنها ناساخته است و عایدی از اندوخته های مدرسه ای نصیب آنها نمی شود. پس وظیفه مدیریت در این مورد آشکار گردیده و کمک نمودن به آینده نگریم دانش آموز در سرلوحه وظایفشان قرار می گیرد.

نوجوان در سالهای آخر تحصیلات متوسطه دچار وهم و ابهام است. او با مواجه شدن با سوال می کیسم؟ یعنی چه نقش اجتماعی باید داشته باشم، در درون خود با انقلاب شخصیتی دست به گریبان است. عده ای از نوجوانان در این سن، از اینکه برای دستیاری به خواستند های خود چه راهی باید انتخاب کنند سردرگمند. نوجوان خواستار آینده سازی است. میل به کار دارد. ولی کدام کار؟ چه بسا امکان دارد که ادامه تحصیل در دانشگاه برایش کاری جلوه کند. در این میان اولیاء مدرسه وظیفه ای در روشنگری هدف تحصیلات عالی برای نوجوان خواهند داشت، تا او جدیدی کافی در این راه بعمل آورد. مشروط بر اینکه، سعی راه هدف قرار ندهد، بلکه در راه رسیدن به هدف کوشش برایش وسیله باشد. یا ممکن است با توجه به استعداد نوجوان، او را به سوی هدف مثبتی دیگر سوق دهند. بدین طریق میل دوست داشته شدن نیز در نوجوان



زندگی روزمره از نظر پیشرفت بهداشت و وسایل معیشت ، که تغییرات نحوه زندگی انسانها را فراهم نموده است ، در روحیه دانش آموز بخصوص ، دانش آموز دبیرستانی بی تاثر نیست . بوجوان رودر به مرحله بلوغ می رسد . رودر استقلال را احساس می کند . سریعتر به زندگی بزرگسالان تمایل پیدا می کند . تمایلات حسی نیز در سرلوحه خواستههایش قرار می گیرد . عوامل باد شده به انضمام نگرانیهایی چون ، بعد از اخذ مدرک پایان دوره ، سوسطه چه خواهد کرد؟ آیا امکانات ادامه تحصیل در آموزش عالی برایش موجود خواهد بود؟ چه رشته ای دنبال کند تا زندگی آینده اش را تضمین نماید؟ و یا او را امکان ادامه تحصیل بهیچ وجه فراهم نخواهد بود پس راه سواری در پیش خواهد گرفت و بعد ... دانش آموز دبیرستانی دوست دارد به تنهایی شکل خود را حل کند . مگر فرد مستعدی پیدا کند و مشکل خود را با او در میان بگذارد . با ناظمین و کمک ناظمین مدرسه روبرو می شود ، که فقط اعمال تدریس می کنند تا به اصطلاح نظم را که در نظر اغلب آنها حاکمیت سکوت سخانی است در محیط مدرسه ایجاد کنند . چه سا که این گروه غافل از بارهای بوجوانان فاند بچربند که مدیریت را کمک می نمایند! دبیران نیز از طرفی سعی در حفظ نظم کلاس و نگهداری شخصیت خود دارند . عالیا " کراسنهای عقیدنی (سیاسی ، مذهبی و ...) آنها را به جهتی مخالف گروهی در کلاس سوق داده و در این میان وظیفه روستگری و ارشاد بد کنار می رود . در اینجا



لطفاً ورق برینید

ناراضی از وضعیت محیطی مدرسه است . آن را منطبق بر نقش موسسات آموزشی نمی داند . به طور مثال برای دانش آموز سالهای آخر دبیرستان این سئوال مطرح می شود که آنچه می آموزد به چه درد خواهد خورد؟ هدف از آموزش ریاضیات ، فیزیک و شناخت فلان شاعر و یا آگاهی از عملکرد حکمرانان گذشته چیست؟ بدین جهت او از گذران اوقات خود جهت آموختن آنچه که به نظرش بی ارزش است رنج می برد . او خواهان آموزشی است که مربوط به وقایع روزمره ، و مورد عمل قرار گرفته باشد . آموخته ها بلافاصله بعد از آموزش باشد . تا بتواند احتیاجات روزمره خود را شخصاً مرتفع کند و پس از این دوره که حس استقلال در او شکل می گیرد در حدت بسند بارار کار سدگارش باشد . بالطبع آموزشهای محدود به کتب و معلم و ناگردد بر سخنوای آنها ، دانش آموز را از ابتکار بدور داشته و نگار کیفری استعدادهاش را به دست فراموشی می سپارد . بعلاوه عدم ارتباط مساعل اجتماعی با آموخته های دبیرستانی اش سرید بر علت ، او را ناراحت می سازد . چه او در می باید که مدیریت کلی سازمان آموزش و پرورش اجتماعش در این مورد چاره ای نسا ننبوده و امر برنامه ریزی را در مسیر هدف رفع کننده نیازهای اجساعی و بشری به حال او سوق نداده است . در اینجا حس که او به غفلت برنامه ریزان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت جامعه اش بی برده و از بنیاد عظیم آموزش و پرورش رسمی کله آغاز می کند . چون حد با که او را پس از تحصیلات دبیرستانی نوان و بارای ادامه تحصیل نماندو اجساع نیز امکانات حدت و با نیاز به همسد فارغ التحصیلان ندانسد باشد . از طرفی مانع



از برنامه ریزان متخصص ، با تحریر ، سفید و آکاد به امر تعلیم و تربیت و نیازهای سنی محفل انسانی در خارج از آموزشگاه برخوردار باشد . با دریافت گردانیدن نیروی مادی و معنوی دستگاہ عظیم آموزش و پرورش قدسی بسرا بردارد . بدین جهت یادآور می شود که مدیریت تعلیم و تربیت ، درحقیقت برداختن و دریافتن و تنظیم برنامه های سلسله مراتب اداری خلاصه نمی گردد . بلکه تجزیه ایست دستگاہ . چه مادا "وحد معنا" . بدستور سبب گردانیدن آن مادد شکل بدیری است که به نام دانش آموز نامیده می شود . دانش آموزی که بدملکان مخصوص در آموزش رشته مورد تدریس آکاد از اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و سوس به کار شریف معلمی . مدیریت آکاد از تعلیم و تربیت و علوم انسانی ، بالاخر برنامه ریزی تربیتی و رای تجارب کافی در این امر نیاز دارد .



که دبیر نبر خود را رئیس قلمداد کرده و ارباط معنوی معلم و دانش آموزاربین می رود . و معلم در نقش یک بوروکرات واقعی محلی می کند . غافل از اینکه در کلاس درس معلم را وظیفه ای به غیر از انتقال دانسنیها و تدریس سخنوای برنامه نیز هست ، و آن فرصت دادن به دانش آموز است . بنحوی که معلم به گفته های دانش آموز گوش دهد و بعد شاکرد را به گوش دادن به گفته هایش وادارد تا بدس وسیله دانش آموز ، نتیجه صحیح گفت و شنوده های کلاسی را آموخته و آنها را بکار گیرد . حاکمیت چنین حوی در محیط مدرسه می تواند حسب اجرای برنامه را در ارباطه با برآورد هدف تضمین کند .

باوجود برآخذ که گذشت ، می توان گفت که اسغان نظر در سکونای استعدادهای دانش آموز دستانی و دقت نظر در نیازهای فرهنگی اجتنابی ، حساسی و دانش آموز دبیرستانی نمی تواند صرفاً "معلموت به محدودده آموزشگاہ باشد . بلکه در اس مورد لازم است مدیریت کلی سازمان آموزش و پرورش

صایعات راشی نیم را به هیچوجه اصلاح نمی نماید .

نقد از صفحه ۵۱

(و خصوصاً " اسعد فوق بیفش) باید بوجد نمود تا نیا " بهترین داروی راشی تسم سفت و شدید را روغن ماهی یافتند که از سالیان بس در امر تجربه پزشکان از سودمندترین دواها تشخیص داده شده بود . همینکه بغدادی حیوان روغن - ماهی افزودند کلسم داخل سوچ استخوانها گردید . ولی غحبت اینکه تربیق روغن ماهی

اولین علامت راشی تسم

این است که استخوانهای سر دیر

به هم جوش می خورند.